

## نشست هشتاد و ششم - نکاتی ناب در خصوص منسک زیارت اربعین

بسم الله الرحمن الرحيم

### پیاده روی اربعین منسکی برای کل امت

در ایام ویژه بین محرم و اربعین هستیم. کم کم بعضی از اربعینی ها راه افتادند، بعضی ها کمی بعدتر راه می افتند. به نظر فقها بالاخص حضرت آیت الله سیستانی، توسعه ای هم برای مراسم اربعین داده شده؛ این توسعه باعث شده زمان وسیعتری برای رفت و آمد فراهم شود و گروههای بیشتری بروند. کم کم همین روزها از اطرافیان تان خبر حرکت کردن هست، عده ای می روند و برمی گردند؛ حدود بیست روز جامعه در فضای رفت و آمد اربعین است. اینکه جامعه مدتی در این فضا است، فرصت قابل توجهی است؛ هم برای کسانی که می روند و هم برای کسانی که هستند. این فضا برای کل جامعه است و کسانی که می روند هم در واقع به نمایندگی می روند. مثل حج است، همانگونه که هر سال عده ای به نمایندگی از جامعه حج می روند. واقعیت حج و مناسک اینگونه است؛ مناسک یعنی برنامه هایی که برای امت وضع شده است.

یک سری اعمال داریم که اینها اعمال انسان هاست، اگرچه به صورت جمعی انجام می شود، مثل نماز و روزه. ولی به یک سری اعمال منسک می گویند، منسک برای امت است و اصلاً برای فرد نیست. در قرآن، خداوند می فرماید: «ما برای هر امتی منسک قرار دادیم»، منسک برای فرد نیست مثل حج. در واقع سال به سال امت باید رویکرد توحیدی و مبارزه با طاغوت را به روز رسانی کند؛ عده ای را به نمایندگی به حج می فرستد و واقعاً آن عده به نمایندگی به حج می روند. در فضای حج قرار می گیرند و باید برگردند و آن فضا را در جامعه خودشان تزریق کنند. اینطور نیست که فقط آنها حج می روند، بگوییم حجتان قبول؛ کل جامعه به حج رفته است. ما البته در زمینه منسک دچار مشکلات جدی هستیم. من بررسی در احوال خودم و بقیه کردم، دیدم ما اصلاً دیدگاه منسکی به مناسک نداریم؛ نگاه عبادی به مناسک داریم. اگرچه منسک یک عبادت است، ولی عبادت امت است. باید وقتی در باشگاه به سوره مبارکه حج رسیدیم، این مشکل را حل کنیم. ما خیلی نگاه فردگرایانه داریم. حتی در نماز هم با توجه به سوره مبارکه ماعون، فردگرایی جای ندارد؛ ولی علی ایحال می گوییم عمل فرد است، در حالی که منسک اصلاً عمل فرد نیست و اساساً عمل امت است. لذا هم آنهایی که می روند و فکر می کنند کاری به بقیه ندارند، اشتباه می کنند و هم آنهایی که هستند و فکر می کنند بقیه رفتند، اشتباه می کنند. نه! یک امت دارد این منسک را انجام می دهند. در اربعین سه تا چهار میلیون نفر به نمایندگی از هشتاد میلیون نفر به اربعین می روند. هشتاد میلیون دارند اربعین می روند نه سه میلیون! این نگاه باید در هفتاد و هفت میلیون دیگر تزریق شود، همگی اربعین می روید! این از موضوعاتی است که باید جا بیفتد وگرنه ما نقاط ضعفی در دیدگاه امتی مان پیدا می کنیم و امیدواریم به واسطه مناسک باشکوهی مثل اربعین این ضعف ها

برطرف شود. کسی خواست در مورد این موضوع بیشتر مطالعه کند باید سوره مبارکه حج که سوره منسک است را بخواند.

## اربعین تجدید بیعت یک امت با امام

از این موضوع که بگذریم این فضایی که در جامعه هست، فضای منحصر به فردی است و صرفاً یک فضای عبادی معنوی ارتباط با خدا و امام نیست؛ بلکه شبیه تجدید بیعت یک امت با امامش است. اربعین مثل این است که امت با امام بیعت می کنند؛ لذا مهمترین عمل روز اربعین زیارت روز اربعین است؛ اگر چه در مورد پیاده روی توصیه شده، اما سنت اهل بیت، زیارت اربعین است.

در روایت امام حسن عسگری (ع) گفته اند: «از نشانه های شیعه، زیارت اربعین است.» البته این سنت پیاده روی که آن هم از اهل بیت مستند است، قابل توجه است؛ اما باید متوجه باشیم که اصل و فرع جا به جا نشود. پیاده روی مهم تر از زیارت نیست، زیارت به معنای این نیست که کسی برود دست به ضریح بزند؛ اساساً زیارت در منطق اهل بیت، نشانه واضح بیعت است؛ چنانچه اگر متن زیارت اربعین را بخوانید دارید شهادت می دهید و با امام بیعت می کنید.

یک وقتی دارید سفر می روید و این سفر آنقدر جذاب است که آدم می رود تا صرفاً محبتی به امام حسین (ع) نشان بدهد؛ این سفر اصلاً برای نشان دادن محبت نیست، فقط برای بیعت، شب عملیاتی و موضوع صحنه حماسی است. این ها ابعاد بسیار مهمی است که البته در آن شور و عاطفه هم دارد که در واقع مهم است؛ ولی اصل و فرع آن نباید اشتباه شود. اصل زیارت اربعین است و گفته اند قرائت زیارت اربعین مد نظر است. اساساً شما در این زیارت شهادت می دهید که آرمان اباعبدالله الحسین (ع) این بود و من هم همین آرمان را ادامه می دهم. شما آمده اید بگویید: فکر نکنید پرچمی که اباعبدالله در دست گرفت، با شهادتش روی زمین افتاده؛ بلکه این پرچم در رکاب امام زمان (عج) هست تا به نهایت خودش برسد. اصلاً مقصد زندگی انسان و برنامه های زندگی یکساله انسان باید با توجه به فضای اربعین تعریف شود؛ یعنی شما در یک سال آینده این پرچم را چقدر جلو می برید و چکار می کنید؟ حالا دوستانی که توفیق دارند، بروند و دوستانی که توفیق دارند، به دلایل واجب تری و مسئولیت های دیگری نمی روند (حتماً آنها هم وظایف مهمتری دارند). برای همه باید تجدید بیعت در اربعین اتفاق بیفتد و تجدید بیعت هم این است که ما پرچمی را که امام حسین (ع) می خواست در مقصدی نصب کند، قطعاً نصب خواهیم کرد و هر کس باید بگوید این پرچم را تا یکسال آینده در چه موضوعی و تا کجا جلو می برد. مثلاً می گوید: این رسالت امام حسین (ع) که ماجرای برطرف کردن جهالت از مردم است، «لیستنقذ عبادک من الجهاله و حیره الضلاله»؛ من مامور می شوم که گروهی از عباد خداوند را از جهالت و

حیرت ضلالت خارج کنم. هر کسی باید بگوید کدام بندگان خدا را تا سال آینده از حیرت ضلالت و جهالت خارج می‌کنم. باید معلوم باشد که شما تا سال آینده چقدر از آرمان امام حسین (ع) را محقق می‌کنی. حالا کسی ممکن است بگوید من اصلاً نمی‌دانم جهالت و ضلالت چیست و من نمی‌دانم چگونه آدم‌ها را از جهالت خارج کنم که قرآن برای همین است. نمی‌شود سال به سال بگذرد و ما هیچ نقشی در تحقق آرمان امام حسین (ع) نداشته باشیم و هیچ کافری را خدا پرست و هیچ اهل شریعت دیگری را مسلمان و هیچ مسلمانی را شیعه نکرده باشیم. ما می‌خواهیم افراد ولایت خداوند را در زندگی را بپذیرند. نمی‌شود آدم در هیچ بنده‌ای اثری نگذارد و بعد هم بگوید ما با امام حسین (ع) بیعت بسته ایم. کار امام حسین این است، کار امام حسین عزاداری نیست. اگرچه عزاداری برای بیعت با امام حسین (ع) است، ولی کار امام عزاداری نبوده است. پیاده روی اربعین برای تحقق آرمان است، نه آرمان برای پیاده روی. اصل و فرع نباید جا به جا شود. خلاصه، چه می‌روید و چه نمی‌روید، این تجدید بیعت را انجام دهید و هرکس برای خودش مشخص کند به نیت همراهی با امام حسین (ع) گروهی از بندگان خدا را نجات می‌دهد. اگر هر سال گروهی این کار را کنند، زندگی آباد می‌شود.

مشکل ما این است که این دیدگاه را نداریم و هر کس هر چیزی را بلد است و از هر ضلالتی رهایی یافته، در درون خودش خوشحال است و کسی نمی‌گوید تو قرار است چه کسی را آدم کنی.

#### چه سری در عدد چهل است؟

عدد چهل هم در روایات و هم آیه «وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأُتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ» عدد چهل را عدد تمامیت می‌گویند. یعنی هر چیزی وقتی می‌خواهد به تمامیت خودش برسد باید چله به آن بگذرد. برای همین هم آقایان چله می‌گرفتند. چهل روز بر انجام کاری، یا عدم انجام آن مداومت می‌کردند. در روایات داریم، هرکس چهل روز زیارت عاشورا بخواند یا دعای عهد بخواند؛ سرّ عدد چهل در به تثبیت رسیدن است. هر کاری را بخواهیم به تثبیت برسانیم چهل تایی باید کنیم. ما این قدر بلدیم، حتماً حقایق بسیار بیشتری هم هست که ما دیگر بیشتر بلد نیستیم.